DOI: 10.22122/rbs.v16i3.2182

نقش میانجی تنظیم شناختی هیجان در رابطه بین سیستم‌های مغزی رفتاری و رشد پس از سانحه مردان خیانت دیده

مریم فراهینی[۱]، احمد منصوری[۲]

مقاله پژوهشی

چکیده

زمینه و هدف: رویدادهای آسیب‌زا پیامدهای منفی مختلفی را به دنبال دارند، اما در پاره‌ای از موارد تغییرات روان‌شناختی مثبتی به دنبال این حوادث اتفاق می‌افتد. باوجوداین، دانش کمی در مورد چگونگی این تغییرات مثبت وجود دارد. ازاین‌رو، پژوهش حاضر باهدف بررسی نقش میانجی تنظیم شناختی هیجان در رابطه بین سیستم‌های مغزی رفتاری و رشد پس از سانحه مردان خیانت دیده انجام گردید.

مواد و روش‌ها: پژوهش ازلحاظ روش گردآوری داده‌ها توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه موردپژوهش شامل کلیه مردان خیانت دیده شهر نیشابور در سال ۱۳۹۶ بود. نمونه موردبررسی شامل ۱۰۰ نفر از مردان خیانت دیده مراجعه‌کننده به بهزیستی شهر نیشابور بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. مقیاس سیستم بازداری/ فعال‌ساز رفتاری (Behavioral Inhibition System/Behavioral Activation System)، پرسشنامه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان (Cognitive Emotion Regulation Questionnaire) و پرسشنامه رشد پس از سانحه (Posttraumatic Growth Inventory) توسط شرکت‌کنندگان تکمیل گردید. داده‌های پژوهش با استفاده از روش همبستگی Pearson و تحلیل رگرسیون تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که سیستم فعال‌ساز رفتاری پیش‌بین راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار است که به سهم خود پیش‌بین رشد پس از سانحه بود ($p<۰/۰۵$). همچنین، راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار میانجی رابطه بین سیستم فعال‌ساز رفتاری و رشد پس از سانحه هستند ($p<۰/۰۵$).

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش حاضر بر اهمیت سیستم‌های مغزی رفتاری و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار در رشد پس از سانحه مردان خیانت دیده تأکید دارد. بعلاوه، سیستم فعال‌ساز رفتاری رشد پس از سانحه بیشتری را به‌واسطه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار به دنبال دارد.

واژه‌های کلیدی: تنظیم هیجان، رشد پس از سانحه، خیانت، سیستم فعال‌ساز و بازداری رفتاری

ارجاع: فراهینی مریم، منصوری احمد. **نقش میانجی تنظیم شناختی هیجان در رابطه بین سیستم‌های مغزی رفتاری و رشد پس از سانحه مردان خیانت دیده.** مجله تحقیقات علوم رفتاری ۱۳۹۷؛ ۱۶(۳): ۴۰۸-۴۱۸.

دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۵/۱۶ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۰/۰۹

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نیشابور، نیشابور، ایران.
۲- استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نیشابور، نیشابور، ایران.
نویسنده مسئول: احمد منصوری
Email: mansoury_am@yahoo.com

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-26]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1397.16.3.16.6]
[DOI: 10.52547/rbs.16.3.408]

مقدمه

خیانت (infidelity) به‌عنوان شکلی از آسیب مطرح شده است که یک‌طرف آن مرتکبان و طرف دیگر آن قربانیان هستند (۱). تعاریف متفاوتی از خیانت وجود دارد. بر همین اساس تفاوت قابل‌توجهی در نرخ‌های شیوع خیانت مشاهده می‌شود. باوجوداین، شیوع طول عمر آن ۱/۲ تا ۸۵/۵ درصد گزارش شده است. از سوی دیگر تعاریف مورداستفاده پژوهش‌ها در سه دسته گسترده الف) خیانت به‌عنوان آمیزش جنسی، ب) خیانت به‌عنوان فعالیت‌های جنسی فرا زناشویی و ج) خیانت به‌عنوان خیانت هیجانی طبقه‌بندی‌شده است (۲). خیانت پیامدها و آثار نامطلوب مختلفی برای زوج‌ها (۱، ۳) و فرزندان آن‌ها (۱) به دنبال دارد. زنان و مردان خیانت دیده مشکلات روان‌شناختی متعددی ازجمله افسردگی، اضطراب (۴)، از دست دادن اعتماد، آسیب به عزت‌نفس، اختلال در روابط دیگر و پیامدهای مالی و مشکلات هیجانی (۵) را تجربه می‌کنند. Shackelford و همکاران دریافتند که افراد واکنش‌های هیجانی متفاوتی ازجمله شوکه شدن، تنفر، خصومت/انتقام‌جویی، احساس تقصیر، خستگی، افسردگی، اضطراب، درماندگی، قتل و خودکشی، شادی و بخشش را نسبت به خیانت‌های جنسی و هیجانی تجربه می‌کنند. آن‌ها دریافتند که مردان نمره‌های بالاتری در قتل/خودکشی کسب می‌کنند، درحالی‌که زنان نمرات بالاتری در ناخوشایندی/ناایمنی کسب کردند (۶). در برخی از موارد دیگر ممکن است علائم اختلال استرس پس از سانحه تجربه شود (۷). باوجوداین، برخی از مطالعات تغییرات مثبت غیرمنتظره‌ای ازجمله ایجاد یک رابطه زناشویی بهتر، افزایش جرأت مندی، ارزش بیشتر قائل شدن برای خانواده، مراقبت بهتر از خود و پی بردن به اهمیت ارتباط زناشویی خوب را گزارش کرده‌اند (۸). باوجوداین، خیانت علل عمده طلاق در ۱۶۰ فرهنگ ذکر شده است (۹).

Heintzelman و همکاران در پژوهشی با عنوان درمان خیانت: تمایز خود، آسیب، بخشش و رشد پس از سانحه در میان زوج‌هایی که به رابطه ادامه می‌دهند؛ دریافتند افراد می‌توانند از آسیب‌هایی که خیانت به آن‌ها وارد کرده است، رهایی یابند و همچنین امکان بخشش و حتی رشد شخصی امکان‌پذیر است (۵). رشد پس از سانحه (posttraumatic growth) به تغییرات روان‌شناختی مثبتی اشاره دارد که درنتیجه مبارزه با شرایط بسیار چالش زا یا بحران‌های عمده زندگی تجربه می‌شوند (۱۰، ۱۱). در سال‌های اخیر علاقه زیادی برای بررسی سیستم‌های عصب زیستی انگیزش، هیجان، شخصیت و آسیب‌شناسی روانی به وجود آمده است (۱۲)؛ اما می‌توان نقش این سیستم‌ها را در سایر جنبه‌های زندگی انسان ازجمله رشد پس از سانحه نیز موردبررسی قرار داد. ادبیات پژوهش نشان می‌دهد عوامل متعددی ازجمله سبک‌های دلبستگی (۱۳) و سیستم‌های مغزی رفتاری با رشد پس از سانحه مرتبط است (۱۴). نظریه حساست تقویت (Reinforcement Sensitivity Theory یا RST) یکی از نظریاتی است که به معرفی سه سیستم عصب زیستی، یعنی سیستم‌های فعال‌ساز رفتاری (Behavioral Approach System or Behavioral Activation System یا BAS)، بازداری رفتاری (Behavioral Inhibition System یا BIS) و سیستم جنگ-گریز-انجماد (Fight–Flight–Freezing System یا FFFS) می‌پردازد (۱۵). باوجوداین، در مطالعات انجام‌شده توجه زیادی به دو سیستم فعال‌ساز و بازداری رفتاری شده است. سیستم بازداری رفتاری به نشانه‌های تهدید و تنبیه حساس است، درحالی‌که سیستم فعال‌ساز رفتاری به نشانه‌های پاداش و عدم تنبیه حساس است (۱۵). فعالیت زیاد سیستم بازداری رفتاری با افزایش توجه، برانگیختگی، گوش‌به‌زنگی و اضطراب مرتبط است. سیستم بازداری بسیار قوی با اختلال‌های مرتبط با اضطراب رابطه دارد، درحالی‌که سیستم بازداری بسیار ضعیف با جامعه‌ستیزی خفیف مرتبط است. سیستم فعال‌ساز رفتاری با خوش‌بینی، لذت و پرخاشگری مرتبط است. سطوح بسیار بالای آن نیز با اختلال‌های تکانشی، دوقطبی و کمبود توجه/بیش فعالی و جامعه‌ستیزی ثانویه رابطه دارد (۱۶).

با توجه به آنچه در مطالب فوق ذکر شد، اگرچه رابطه بین سیستم‌های مغزی رفتاری با اختلال استرس پس از سانحه (۱۷) و رشد پس از سانحه (۵، ۱۴) به‌خوبی تائید شده است، اما توجه اندکی به عوامل میانجی این رابطه یا مکانیسم‌هایی شده است که به‌واسطه آن سیستم‌های مغزی رفتاری سبب افزایش رشد پس از سانحه افراد می‌شوند. یکی از مکانیسم‌ها یا عواملی که

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-26]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1397.16.3.16.6]
[DOI: 10.52547/rbs.16.3.408]

می‌تواند میانجی این رابطه باشد، راهبردهای تنظیم شناختی هیجان (cognitive emotion regulation strategies) است. راهبردهای تنظیم شناختی هیجان به راهبردهای شناختی هشیار برای مقابلهٔ با اطلاعات برانگیزاننده هیجان (۱۸) و بخش شناختی مقابله اشاره دارند. این راهبردها در توانایی افراد جهت مدیریت و تنظیم هیجان‌ها یا احساسات و حفظ کنترل بر هیجان‌ها و یا تحت تأثیر قرار نگرفتن به‌وسیله آن‌ها مهم هستند. بررسی ادبیات پژوهش ۹ راهبرد تنظیم شناختی هیجان متفاوت، یعنی خود سرزنش گری، دیگر سرزنش گری، نشخوار فکری، فاجعه نمایی، ارزیابی مجدد مثبت، تمرکز مجدد مثبت، کم‌اهمیت شماری، پذیرش و برنامه‌ریزی را که به لحاظ مفهومی از یکدیگر متمایزند، نشان می‌دهد (۱۹، ۲۰، ۲۱). اگرچه پژوهشی مختص رابطه بین سیستم‌های مغزی رفتاری با راهبردهای تنظیم شناختی در مردان خیانت دیده مشاهده نگردید، اما مطالعات مختلف نشان داده‌اند بین سیستم‌های مغزی رفتاری با دشواری در تنظیم هیجان دانشجویان (۲۲)، راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار و ناسازگار افراد مبتلا به اختلال مصرف مواد محرک (۲۳) و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار نوجوانان (۲۴) رابطه وجود دارد. Li و همکاران نیز نشان دادند که راهبردهای تنظیم شناختی هیجان میانجی رابطه بین سیستم بازداری رفتاری و افسردگی هستند (۲۴). سرانجام، بررسی ادبیات پژوهش نشان داد که بین تنظیم هیجان و راهبردهای تنظیم هیجان با رشد پس از سانحه رابطه وجود دارد (۲۵، ۲۶). با توجه به آنچه ذکر شد پژوهش حاضر باهدف بررسی نقش میانجی تنظیم شناختی هیجان در رابطه بین سیستم‌های مغزی رفتاری و رشد پس از سانحه مردان خیانت دیده انجام شد.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر جزو پژوهش‌های توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه مردان خیانت دیده شهر نیشابور در سال ۱۳۹۶ بود. نمونه موردبررسی شامل ۱۰۰ نفر از مردان خیانت دیده مراجعه‌کننده به بهزیستی شهر نیشابور بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ملاک‌های ورود شامل تمایل برای شرکت در پژوهش، مرد بودن، تجربه خیانت جنسی، سن ۲۰ تا ۵۰ سال، متقاضی طلاق یا طلاق گرفته و گذشت حداقل یک ماه از تجربه خیانت بود. ملاک‌های خروج عدم پاسخ کامل به پرسشنامه‌ها بود. ملاحظات اخلاقی شامل رضایت آگاهانه افراد برای شرکت در پژوهش، تأکید بر محرمانه ماندن اطلاعات و اجتناب از آسیب رساندن به آن‌ها بود. داده‌های پژوهش حاضر با استفاده از نرم‌افزارهای آماری $SPSS_{24}$ و PROCESS و به کمک شاخص‌های آمار توصیفی، همبستگی Pearson و تحلیل رگرسیون تحلیل شدند. ابزارهای پژوهش عبارت بودند از:

پرسشنامه رشد پس از سانحه (Posttraumatic Growth Inventory یا PTGI): ابزاری ۲۱ ماده‌ای است که توسط Tedeschi و Calhoun برای اندازه‌گیری رشد پس از سانحه طراحی‌شده است. این پرسشنامه یک ابزار خود سنجی است که بر اساس یک مقیاس شش‌درجه‌ای در دامنه‌ای از ۰ (هیچ تغییری را تجربه نکرده‌ام) تا ۵ (تغییر خیلی زیادی را تجربه کرده‌ام) نمره‌گذاری می‌شود. دامنه نمرات بین ۰ تا ۱۰۵ است و نمره بیشتر نشان‌دهنده رشد بیشتر هست. فرم اصلی پرسشنامه متشکل از پنج خرده مقیاس ۱- رابطه با دیگران، ۲- امکانات جدید، ۳- قدرت فردی، ۴- تغییرات معنوی و ۵- ارزش زندگی است. در مطالعه آن‌ها اعتبار آزمون به روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) ۰/۹۰ گزارش شده است. ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌ها بین ۰/۶۷ تا ۰/۸۵ برآورد شده است (۲۷). سیدمحمودی، رحیمی و محمدی جابر اعتبار آزمون را به روش همسانی درونی و بازآزمایی به فاصله یک هفته ۰/۹۲ و ۰/۹۴ گزارش کردند (۲۸). در پژوهش حاضر اعتبار آزمون به روش همسانی درونی ۰/۸۹ بود.

پرسشنامه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان (Cognitive Emotion Regulation Questionnaire یا CERQ): ابزاری ۱۸ ماده‌ای و از نوع لیکرت پنج‌درجه‌ای است که در دامنه‌ای از ۱ (هرگز) تا ۵ (همواره) نمره‌گذاری می‌شود. این پرسشنامه شامل ۹

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-26]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1397.16.3.16.6]
[DOI: 10.52547/rbs.16.3.408]

خرده مقیاس است که به دو گروه سازگار یا بهنجار (شامل، ارزیابی مجدد مثبت، برنامه‌ریزی، تمرکز مجدد مثبت و پذیرش) و ناسازگار یا نابهنجار (خود سرزنش گری، دیگر سرزنش گری، نشخوار فکری و فاجعه نمایی) تقسیم‌شده‌اند. اعتبار آزمون به روش همسانی درونی برای خرده مقیاس خود سرزنش گری ۰/۶۷ و برای بقیه خرده مقیاس‌ها ۰/۷۳ تا ۰/۸۱ گزارش شده است. همچنین، این پرسشنامه از روایی قابل قبولی برخوردار است (۲۰). در پژوهش منصوری و همکاران (۲۹) اعتبار نمره کل آزمون و خرده مقیاس‌های آن به ترتیب برابر ۰/۷۲، ۰/۸۸، ۰/۷۸، ۰/۶۳، ۰/۸۴، ۰/۸۱، ۰/۷۴، ۰/۶۶، ۰/۸۳ و ۰/۸۶ بوده است. اعتبار راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار و ناسازگار نیز ۰/۸۲ و ۰/۷۴ برآورد شده است. نتایج تحلیل عاملی تأییدی برای ساختار دوعاملی (CFI=۰/۹۶، NFI=۰/۹۴، NNFI=۰/۹۵، IFI=۰/۹۶، RFI =۰/۹۳، GFI=۰/۹۴ و RMSEA=۰/۰۵) و ۹ عاملی (CFI=۰/۹۸، NFI=۰/۹۶، NNFI=۰/۹۷، IFI=۰/۹۸، RFI۰/۹۴، GFI=۰/۹۶ و RMSEA=۰/۰۴) این پرسشنامه خوب و رضایت‌بخش بوده است (۲۹).

مقیاس سیستم بازداری/ فعال‌ساز رفتاری *(Behavioral Inhibition System/Behavioral Activation System یا BIS/BAS scales)*: ابزاری ۲۴ ماده‌ای و از نوع چهاردرجه‌ای است که در دامنه‌ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۴ (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. همچنین، متشکل از دو خرده مقیاس سیستم فعال‌ساز رفتاری و سیستم بازداری رفتاری است. سیستم فعال‌ساز رفتاری نیز خود دارای سه جنبه پاسخ به سائق، جستجوی شادی و تفریح و پاسخ به پاداش است. اعتبار نسخه اصلی آزمون و خرده مقیاس‌هایش به روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) ۰/۷۶-۰/۶۶ گزارش شده است. اعتبار آزمون به روش بازآزمایی نیز ۰/۶۹-۰/۵۹ بوده است (۳۰). منصوری و همکاران (۲۲) اعتبار آزمون را به روش همسانی درونی برابر ۰/۷۹ گزارش کردند. نتایج تحلیل عاملی تأییدی آن‌ها نیز بیانگر شاخص‌های خوب و رضایت‌بخش (CFI =۰/۹۲، NFI =۰/۸۵، NNFI =۰/۹۱، IFI =۰/۹۲، GFI =۰/۹۰ و RMSEA۰/۰۶۴) این مقیاس بوده است.

یافته‌ها

میانگین و انحراف معیار سن شرکت‌کنندگان ۳۰/۶۱ و ۶/۱۸ بود. یافته‌های توصیفی مربوط به سایر داده‌های جمعیت شناختی در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: داده‌های جمعیت شناختی مربوط به شرکت‌کنندگان پژوهش

متغیرهای جمعیت شناختی		فراوانی (درصد)	متغیرهای جمعیت شناختی		فراوانی (درصد)
وضعیت تأهل	متأهل	۱۷ (۱۷)	وضعیت اشتغال	شاغل	۸۵ (۸۵)
	متارکه	۶ (۶)		بیکار	۱۳ (۱۳)
	در شرف طلاق	۶۰ (۶۰)	طبقه اجتماعی	پایین	۲۰ (۲۰)
	طلاق	۱۳ (۱۳)		متوسط به پایین	۲۴ (۲۴)
تحصیلات	ابتدایی	۱۲ (۱۲)		متوسط	۴۲ (۴۲)
	راهنمایی	۳۱ (۳۱)		متوسط به بالا	۹ (۹)
	دیپلم	۳۲ (۳۲)		بالا	۱ (۱)
	فوق‌دیپلم	۴ (۴)	بیماری روان‌شناختی	بله	۴ (۴)
	کارشناسی	۱۴ (۱۴)		خیر	۹۱ (۹۱)
	کارشناسی ارشد	۳ (۳)			
	دکتری	۱ (۱)			

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.17352029.1397.16.3.16.6]

[DOI: 10.52547/rbs.16.3.408]

در جدول ۲ یافته‌های توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و ضرایب همبستگی مربوط به متغیرهای پژوهش ارائه شده است (در پیوست ۱ گزارش شده است). نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که بین سیستم‌های مغزی رفتاری با راهبردهای تنظیم شناختی هیجان و رشد پس از سانحه رابطه معنادار وجود دارد (p<۰/۰۵). همچنین بین راهبردهای تنظیم شناختی هیجان و رشد پس از سانحه رابطه معنادار وجود دارد (p<۰/۰۵). نتایج پژوهش حاضر نشان داد که سیستم فعال‌ساز رفتاری پیش‌بینی کننده رشد پس از سانحه مردان خیانت دیده (p<۰/۰۵، β=۰/۱۹، F (۱، ۹۸)= ۲۲/۹۸) است و روی‌هم‌رفته ۱۹ درصد واریانس رشد پس از سانحه مردان خیانت دیده را تبیین می‌کند (p<۰/۰۵). ضریب اثر مدل فوق برابر با ۱/۱۹ است (p<۰/۰۵). همچنین نتایج نشان داد که سیستم فعال‌ساز رفتاری پیش‌بینی کننده راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار مردان خیانت دیده (p<۰/۰۵، β=۰/۱۹، F (۱، ۹۸)= ۲۳/۱۶) هستند و روی‌هم‌رفته ۱۹ درصد واریانس راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار مردان خیانت دیده را تبیین می‌کنند (p<۰/۰۵). ضریب اثر مدل فوق برابر با ۰/۶۸ است (p<۰/۰۵).

در جدول شماره ۳ و ۴ نتایج مربوط به نقش میانجی راهبردهای تنظیم شناختی هیجان در رابطه بین سیستم‌های مغزی رفتاری و رشد پس از سانحه مردان خیانت دیده ارائه شده است.

جدول ۳: مدل رگرسیون پیش‌بینی رشد پس از سانحه از طریق سیستم مغزی رفتاری و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار

متغیر	ضریب همبستگی	مجذور ضریب همبستگی	میانگین مجذور خطا	F	df1	df2	P
سیستم فعال‌ساز رفتاری و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار	۰/۵۹	۰/۳۵	۱۲۶/۴۴	۲۶/۶۲	۲	۹۷	۰/۰۰۰۰۱

جدول ٤: مدل رگرسیون پیش‌بینی رشد پس از سانحه از طریق سیستم مغزی رفتاری و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار

متغیر	ضریب اثر	خطای معیار	ارزش t	P
راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار	۰/۷۹	۰/۱۵	۴/۹۷	۰/۰۰۰۰۱
سیستم فعال‌ساز رفتاری	۰/۶۵	۰/۲۴	۲/۶۳	۰/۰۰۱

نتایج جدول ۳ و ۴ نشان می‌دهد که سیستم فعال‌ساز رفتاری و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار پیش‌بینی کننده رشد پس از سانحه هستند (p< ۰/۰۵، β= ۰/۵۹، F (۲، ۹۷) = ۲۶/۶۲) و روی‌هم‌رفته ۳۵ درصد واریانس رشد پس از سانحه را تبیین می‌کنند (p< ۰/۰۵). ضریب اثر سیستم فعال‌ساز رفتاری و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار به ترتیب برابر با ۰/۶۵ و ۰/۷۹ است (p< ۰/۰۵). اثر غیرمستقیم سیستم فعال‌ساز رفتاری بر رشد پس از سانحه نیز ۰/۱۹۷ هست. جهت بررسی معناداری تغییرات اتفاق افتاده از آزمون سوبل (Sobel test) استفاده گردید. نتایج این آزمون نشان داد که تغییر اتفاق افتاده معنادار هست (p=۰/۰۰۰۶، z=۳/۴۲، ۰/۱۵= خطای معیار، ۰/۵۴= اثر). ازاین‌رو، می‌توان گفت که راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار در رابطه بین سیستم‌های مغزی رفتاری و رشد پس از سانحه مردان خیانت دیده نقش میانجی دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی تنظیم شناختی هیجان در رابطه بین سیستم‌های مغزی رفتاری و رشد پس از سانحه مردان خیانت دیده بود. نتایج این پژوهش نشان داد که راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار میانجی رابطه بین سیستم فعال‌ساز رفتاری و رشد پس از سانحه مردان خیانت دیده است. اگرچه پژوهشی همسو با نتایج پژوهش حاضر مشاهده نگردید، اما نتایج پژوهش حاضر همسو با یافته قبلی (۱۴) نشان داد بین سیستم فعال‌ساز رفتاری و مؤلفه‌های آن با رشد پس از سانحه رابطه وجود دارد. در مقابل، رابطه‌ای بین سیستم بازداری

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-26]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1397.16.3.16.6]
[DOI: 10.52547/rbs.16.3.408]

رفتاری و شاخص کلی رشد پس از سانحه وجود ندارد. باوجوداین، نتایج نشان داد سیستم بازداری رفتاری با دو مؤلفه رشد پس از سانحه یعنی قدرت فردی و تغییرات معنوی رابطه معکوس دارد. Reapke و Seligma (۱۴) در مطالعه آنلاین خود با بررسی ۲۷۶ بزرگسال آمریکایی و هندی دریافتند که بین سیستم فعال‌ساز رفتاری (جهت‌گیری گرایشی) و رشد پس از سانحه بعد از سختی‌ها رابطه وجود دارد؛ اما در پژوهش اخیر صرفاً به سیستم فعال‌ساز رفتاری توجه شده است. همچنین دو مطالعه به لحاظ جامعه آماری متفاوت بودند. یافته‌های این پژوهش همسو با یافته‌های قبلی (۲۲، ۲۳، ۲۴) نشان داد بین سیستم‌های بازداری رفتاری و فعال‌ساز رفتاری با تنظیم هیجان رابطه وجود دارد. منصوری و همکاران (۲۲) نشان دادند که بین سیستم بازداری رفتاری، سیستم فعال‌ساز رفتاری و مؤلفه‌های آن، یعنی پاسخ به سائق و پاداش با دشواری در تنظیم هیجان دانشجویان (n=۲۱۰) رابطه وجود دارد. یارمحمدی واصل و همکاران (۲۳) با بررسی ۲۴۹ نفر از مصرف‌کنندگان مواد محرک تحت سم‌زدایی دریافتند که بین سیستم فعال‌ساز رفتاری با راهبردهای تنظیم شناختی سازگار و ناسازگار رابطه وجود دارد؛ اما رابطه‌ای بین سیستم بازداری رفتاری با راهبردهای تنظیم شناختی سازگار و ناسازگار مشاهده نکردند. Li و همکاران (۲۴) نشان دادند که بین سیستم‌های بازداری و فعال‌ساز رفتاری و مؤلفه‌های آن با راهبردهای تنظیم شناختی هیجان نوجوانان چینی (n=۳۳۰) رابطه وجود دارد. باوجوداین، پژوهش‌های فوق به لحاظ جامعه موردبررسی و شدت آسیب تجربه‌شده باهم متفاوت هستند.

نتایج پژوهش حاضر همسو با یافته‌های قبلی (۲۵، ۲۶، ۳۱) نشان داد که بین راهبردهای تنظیم هیجان با رشد پس از سانحه رابطه وجود دارد. افلاک سیر و منافی (۲۵) با بررسی گروهی از افراد مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس (n=۹۲) دریافتند که بین راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار یعنی پذیرش، برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت و تمرکز مجدد مثبت با رشد پس از سانحه رابطه وجود دارد. بعلاوه، از بین این راهبردها ارزیابی مجدد مثبت و تمرکز مجدد مثبت پیش‌بینی کننده رشد پس از سانحه هستند. Larsen و Bernbaum (۲۶) با بررسی ۱۰۷ زن بزرگسال دارای تجربه‌های بسیار استرس‌زا یا آسیب‌زا در ۳ سال گذشته دریافتند که بین سرکوب و ابراز هیجان با رشد پس از سانحه رابطه وجود ندارد، اما بین پردازش هیجانی با رشد پس از سانحه رابطه وجود دارد. آن‌ها همچنین دریافتند که سرکوب، ابراز و پردازش هیجان پیش‌بینی کننده رشد پس از سانحه نبودند. Hussain و Bhushan (۳۱) با بررسی رشد پس از سانحه و استرس پس از سانحه با توجه به نقش میانجی راهبردهای تنظیم شناختی هیجان در میان ۲۲۶ پناهنده تبتی دریافتند که بین راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار و ناسازگار پذیرش، خود سرزنش گری، نشخوار فکری، تمرکز مجدد مثبت، کم‌اهمیت شماری، فاجعه نمایی و ارزیابی مجدد با رشد پس از سانحه رابطه وجود دارد. باوجوداین، پژوهش‌های فوق به لحاظ جامعه موردبررسی و شدت آسیب تجربه‌شده باهم متفاوت هستند. سرانجام، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که سیستم فعال‌ساز رفتاری و راهبردهای تنظیم شناختی بهنجار پیش‌بینی کننده رشد پس از سانحه مردان خیانت دیده است. درمجموع، نتایج فوق بیانگر اهمیت سیستم فعال‌ساز رفتاری و راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار در رشد پس از سانحه بعد از رویدادهای آسیب‌زا به‌ویژه در مردان خیانت دیده است.

این پژوهش به‌صورت مقطعی در مورد گروهی از مردان خیانت دیده دارای پرونده در بهزیستی شهر نیشابور انجام شد. ازاین‌رو، مطالعات طولی و همچنین انجام مطالعاتی در مورد سایر گروه‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است. محدود بودن ابزارهای این پژوهش به ابزارهای خود گزارشی و عدم استفاده از سایر ابزارها، می‌تواند سبب سوگیری‌های احتمالی در نتایج به‌دست‌آمده شود. با توجه به اینکه یکی از راهبردهای مقابله مردان پس از مواجهه با آسیب‌های عمده زندگی روی آوردن به مصرف مواد است، ازاین‌رو مطالعات بعدی می‌توانند این مسئله را در کنار رشد پس از سانحه موردتوجه قرار دهند.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار میانجی رابطه بین سیستم فعال‌ساز رفتاری و رشد پس از سانحه مردان خیانت دیده است. به‌عبارت‌دیگر، مردانی که سیستم فعال‌ساز رفتاری قوی‌تری دارند به‌واسطه استفاده بیشتر از راهبردهای تنظیم شناختی هیجان سازگار و در عوض استفاده کمتر از راهبردهای تنظیم

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-26]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1397.16.3.16.6]
[DOI: 10.52547/rbs.16.3.408]

هیجان ناسازگار، رشد پس از سانحه بیشتری را بعد از یک رویداد آسیب‌زا تجربه می‌کنند. در تبیین نتایج فوق می‌توان به دیدگاه Tedeschi و Calhoun (۱۱، ۲۷)، نظریه حساسیت تقویت Gray (۱۵) و مدل تنظیم شناختی هیجان Garnefski و همکاران (۱۹) اشاره کرد. همان‌طور که پیش‌ازاین ذکر شد، رشد پس از سانحه به تغییرات روان‌شناختی مثبتی اشاره دارد که درنتیجه مبارزه با شرایط بسیار چالش زا یا بحران‌های عمده زندگی تجربه می‌شود (۱۰، ۱۱). از سوی دیگر، افرادی که سیستم فعال‌ساز قوی‌تری دارند به نشانه‌های پاداش و عدم تنبیه حساس هستند (۱۵) و عواطف یا هیجان‌های مثبت بیشتری (۱۲) را تجربه می‌کنند. هیجان‌ها درعین‌حال که می‌توانند به افراد در جهت پاسخ قوی و مؤثر به فرصت‌ها و مشکلات کمک کنند، اما در مواقعی منجر به تفکر و رفتار به روش‌های کاملاً مخرب می‌شوند. ازاین‌رو، افزایش هیجان‌های مفید و مدیریت هیجان‌های آسیب‌زا یکی از نگرانی‌های عمده در زمینه تنظیم هیجان است (۳۲)، زیرا که تنظیم هیجانی مؤثر سلامت روان‌شناختی را افزایش می‌دهد و با پیامدهای روان‌شناختی مثبت متعدد ازجمله کارکرد بین فردی بهتر، بهزیستی ادراک‌شده بیشتر و سلامت جسمی بهتر رابطه دارند (۳۳). با توجه به آنچه ذکر شد به نظر می‌رسد افرادی که سیستم فعال‌ساز قوی‌تری دارند پس از مواجهه با یک تجربه یا رویداد تهدیدکننده یا آسیب‌زا به مقابله یا مبارزه سازگار با آن می‌پردازند، توانایی بهتری در مدیریت یا تنظیم هیجان‌ها یا احساسات دارند، کنترلشان بر هیجان‌ها را حفظ می‌کنند و تحت تأثیر آن‌ها قرار نمی‌گیرند. درنتیجه رشد پس از سانحه بیشتری را تجربه می‌کنند. چنین افرادی عمدتاً از راهبردهای تنظیم شناختی هیجانی سازگار و مؤثر مانند پذیرش، تمرکز مجدد مثبت، برنامه‌ریزی، ارزیابی مجدد مثبت و کم‌اهمیت شماری استفاده می‌کنند.

تقدیر و تشکر

مقالهٔ حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم مریم فراهینی است که بدون حمایت مالی نهاد خاصی و یا تعارض منافع نویسندگان انجام شده است. بدین‌وسیله از همکاری کلیه شرکت‌کنندگان در این پژوهش و همچنین بهزیستی شهر نیشابور تقدیر و تشکر می‌گردد.

References

1. Schmidt AE, Green MS, Prouty AM. Effects of parental infidelity and inter-parental conflict on relational ethics between adult children and parents: A contextual perspective. J Fam Ther. 2015; 38(3):386-408.
2. Moller NP, Vossler A. Defining infidelity in research and couple counseling: A qualitative study. J Sex Marital Ther. 2014; 41(5):487-97.
3. Russell VM, Baker LR, McNulty JK. Attachment insecurity and infidelity in marriage: Do studies of dating relationships really inform us about marriage? J Fam Psychol. 2013; 27(2):242–51.
4. Cano A, O'Leary K. Infidelity and separations precipitate major depressive episodes and symptoms of nonspecific depression and anxiety. J Consult Clin Psychol. 2000; 68(5):774-81.
5. Heintzelman A, Murdock NL, Krycak RC, Seay L. Recovery from infidelity: Differentiation of self, trauma, forgiveness, and posttraumatic growth among couples in continuing relationships. CFP. 2014; 3(1):13-29.
6. Shackelford TK, LeBlanc GJ, Drass E. Emotional reactions to infidelity. Cogn Emot. 2000; 14(5):643-59.
7. Bird MH, Butler MH, Fife ST. The process of couple healing following infidelity. Journal of Couple & Relationship Therapy: Innovations in Clinical and Educational Intervention. 2007; 6(4):1-25.
8. Olson MM, Russell CS, Higgins–Kessler M, Miller RB. Emotional processes following disclosure of an extramarital affair. J Marital Fam Ther. 2002; 28(4):423–34.
9. Betzig L. Causes of conjugal dissolution: A cross-cultural study. Curr Anthropol. 1989; 30(1):654–76.
10. Calhoun LG, Tedeschi RG, Cann A, Hanks EA. Positive outcomes following bereavement: Paths to posttraumatic growth. Psychologica Belgica. 2010; 50(1&2):125-43.
11. Tedeschi RG, Calhoun LG. Posttraumatic growth: Conceptual foundations and empirical evidence. Psychol Inq. 2004; 15(1):1-18.
12. Carver CS. Negative affects deriving from the behavioral approach system. Emotion. 2004; 4(1):3-22.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-26]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1397.16.3.16.6]
[DOI: 10.52547/rbs.16.3.408]

13. Smidt S. How does a woman's attachment style influence posttraumatic growth following betrayal? A Literature Review. [MSc Thesis]. USA, Faculty of the Adler Graduate School; 2013.
14. Reapke AM, Seligman MEP. Doors opening: A mechanism for growth after adversity. J Posit Psychol. 2015; 10(2):107-15.
15. Gray JA, McNaughton N. The neuropsychology of anxiety. London: Oxford University Press; 2000.
16. Amodio DM, Master SL, Yee CM, Taylor SE. Neurocognitive components of the behavioral inhibition and activation systems: implications for theories of self-regulation. Psychophysiology. 2007; 45(1):11–19.
17. Gudiño OG. Behavioral Inhibition and Risk for Posttraumatic Stress Symptoms in Latino Children Exposed to Violence. J Abnorm Child Psychol. 2013; 41(6):983–92.
18. Thompson RA. Emotional regulation and emotional development. Educ Psychol Rev. 1991; 3(4):269–307.
19. Garnefski N, Kraaij V, Spinhoven P. Negative life events, cognitive emotion regulation and emotional problems. Pers Individ Dif. 2001; 30(8):1311–27.
20. Garnefski N, Kraaij V. Cognitive emotion regulation questionnaire- development of a short 18-item version (CERQ-short). Pers Individ Dif. 2006; 41(6):1045-53.
21. Garnefski N, Kraaij V. Specificity of relations between adolescents' cognitive emotion regulation strategies and symptoms of depression and anxiety. Cogn Emot. 2016; 20:1-8.
22. Mansouri A, Nejat H, Mansouri N. The mediating role of emotion regulation difficulties in the relationship between the brain behavioral systems and the severity of insomnia. J Res Behav Sci. 2017; 15(4):501-07. [In Persian].
23. Yarmohammadi Vasel M, Alipour F, Bastami M, Zolfaqarinia M, Bazazzade N. The mediating role of cognitive emotion regulation in the relationship between brain-behavioral systems and impulsivity with craving in stimulant addiction. Neuropsychology. 2015; 1(1):51-67. [In Persian].
24. Li Y, Xu Y, Chen Z. Effects of the behavioral inhibition system (BIS), behavioral activation system (BAS), and emotion regulation on depression: A one-year follow-up study in Chinese adolescents. Psychiatry Res. 2015; 230(2):287-93.
25. Aflakseir A, Manafi F. Posttraumatic growth and its relationsheep with cognitive emotion regulation strategies in multiple sclerosis patients in Shiraz. Practice in Clinical Psychology. 2018; 6(1):57-62. [In Persian].
26. Larsen SE, Bernbaum H. Are specific emotion regulation strategies differeetially associated with posttramutic growth versus stress. J Aggress Maltreat Trauma. 2015; 24(7):794-808.
27. Tedeschi RG, Calhoun LG. The Posttraumatic Growth Inventory: measuring the positive legacy of trauma. J Trauma Stress. 1996; 9(3):455-71.
28. Mahmoudi SJ, Rahimi Ch, Mohamadi Jaber N. Psychometric properties of posttraumatic growth inventory in an Iranian sample. Journal of Psychological Models and Methods. 2013; 3(12):93-108. [In Persian].
29. Mansouri A, Khodayarifard M, Besharat MA, Gholamali Lavasani M. Spiritual coping and cognitive emotion regulation strategies as moderating and mediating factors in the relationship between transdiagnostic factors and symptoms of general anxiety disorder: Developing a conceptual model. J Res Behav Sci. 2018; 6(1):130-42. [In Persian].
30. Carver CS, White TL. Behavioral inhibition, behavioral activation, and affective responses to impending reward and punishment: The BIS/BAS scales. J Pers Soc Psychol 1994; 67(2):319–33.
31. Hussain D, Bhushan B. Posttraumatic stress and growth among Tibetan refugees: The mediating role of cognitive-emotional regulation strategies. J Clin Psychol. 2011; 67(7):720–35.
32. Gross JJ. Emotion regulation: Taking stock and moving forward. Emotion. 2013; 13(3):359-65.
33. Kneeland ET, Dovidio JF, Joormann J, Clark MS. Emotion malleability beliefs, emotion regulation, and psychopathology: Integrating affective and clinical science. Clin Psychol Rev 2016; 45:81-8.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-26]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1397.16.3.16.6]
[DOI: 10.52547/rbs.16.3.408]

[DOI: 10.52547/rbs.16.3.408] [DOR: 20.1001.1.17352029.1397.16.3.16.6] [Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-26]

پیوست ۱-

جدول ۲: شاخص‌های توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و ضرایب همبستگی پیرسون مربوط به متغیرهای پژوهش

	متغیر	۱	۲	۳	٤	٥	٦	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	١٤	١٥	١٦	١٧	١٨	١٩
۱	سیستم بازداری رفتاری	–																		
۲	سیستم فعال‌ساز رفتاری	۰/۱۸۹	–																	
۳	خود سرزنش گری	۰/۰۹۳	۰/۱۸۲	–																
۴	نشخوار فکری	۰/۱۹۴	۰/۱۰۶	۰/۱۲۹	–															
۵	فاجعه نمایی	۰/۳۰۸**	۰/۱۱۳	۰/۰۴۲	۰/۱۹۳	–														
۶	دیگر سرزنش گری	۰/۰۸۷	۰/۳۲۳**	−۰/۰۷۶	−۰/۰۵	۰/۲۳۱*	–													
۷	راهبردهای ناسازگار تنظیم	۰/۳۰۲**	۰/۳۴۱**	۰/۴۱۶*	۰/۴۷۷**	۰/۶۹۲*	۰/۶۱**	–												
۸	پذیرش	−۰/۰۲۹	۰/۲۸۹**	−۰/۰۲	−۰/۰۳۴	۰/۰۴۱	۰/۰۸۶	۰/۰۴۷	–											
۹	تمرکز مجدد مثبت	−۰/۲۵۲*	۰/۳۰**	−۰/۰۷۷	−۰/۰۰۵	۰/۰۰۸	۰/۱۵۱	۰/۰۵۵	۰/۳۵۲**	–										
۱۰	برنامه‌ریزی	۰/۰۹۱	۰/۴۴۹**	۰/۰۸۵	۰/۰۶۴	۰/۰۹۶	۰/۱۶	۰/۱۹	۰/۳۲۱**	۰/۳۹۲**	–									
۱۱	ارزیابی مجدد مثبت	−۰/۰۹۲	۰/۲۸۶**	۰/۲۲۲*	−۰/۰۸۲	۰/۰۸۴	۰/۱۴۹	۰/۰۰۵	۰/۳۲۲**	۰/۵۱۵**	۰/۴۴۴**	–								
۱۲	کم‌اهمیت شماری	−۰/۱۱۶	۰/۲۴۵*	۰/۰۵۱	۰/۰۲۱	−۰/۱۱۴	۰/۱۵۲	۰/۰۵۶	۰/۴۲۴**	۰/۳۹۸**	۰/۱۸۹	۰/۴۱۷**	–							
۱۳	راهبردهای سازگار تنظیم	−۰/۱۲۱	۰/۴۳۷**	−۰/۰۴۹	−۰/۰۱	۰/۰۲۶	۰/۱۹۶	۰/۰۹۷	۰/۶۹۵**	۰/۷۶۱**	۰/۶۳۸**	۰/۷۴۳**	۰/۷۰۱**	–						
۱۴	رابطه با دیگران	−۰/۰۱۴	۰/۳۶۸**	−۰/۰۶۳	−۰/۰۵۴	۰/۰۴۴	۰/۱۹	۰/۰۸۱	۰/۱۷۴	۰/۳۱۳**	۰/۳۶**	۰/۳۰۶**	۰/۲۵*	۰/۳۹۱**	–					
۱۵	امکانات جدید	−۰/۰۹۴	۰/۴۹۶**	۰/۰۰۹	−۰/۱۱۸	−۰/۰۲۱	۰/۰۶۸	−۰/۰۱۲	۰/۲۲۷**	۰/۴۵۴**	۰/۵۷۹**	۰/۴۴۴**	۰/۳۰۵**	۰/۵۸۷**	۰/۶۶۴**	–				
۱۶	قدرت فردی	−۰/۳۶۵**	۰/۲۲۳*	−۰/۱۲۵	−۰/۲۴۵*	−۰/۲۰۹	−۰/۰۲۵	−۰/۲۵۲*	۰/۲۱۹*	۰/۳۸۵**	۰/۳۷۶**	۰/۴۵۶**	۰/۲۴۲*	۰/۴۶۶**	۰/۵۵۵**	۰/۶۶۱**	–			
۱۷	تغییرات معنوی	−۰/۲۰۵*	۰/۰۵۶	−۰/۰۸۴	−۰/۱۸۱	−۰/۱۷۳	−۰/۰۱	−۰/۱۸۷	۰/۱۱۵	۰/۲۲*	۰/۱۶۷	۰/۱۹۹*	۰/۳۲۸**	۰/۲۹۳**	۰/۴۰۵**	۰/۳۹۷**	۰/۵۱**	–		
۱۸	ارزش زندگی	−۰/۱۰۴	۰/۳۲۳**	۰/۰۰۴	−۰/۰۲۸	۰/۰۷۴	۰/۰۹۱	۰/۰۷۷	۰/۲۷۹**	۰/۲۸۶**	۰/۴۸۷**	۰/۳۸**	۰/۲۶۶**	۰/۴۷**	۰/۵۴۹**	۰/۶۸۹**	۰/۵۰**	۰/۳۹۷**	–	
۱۹	نمره کل رشد پس از سانحه	−۰/۱۶	۰/۴۱**	−۰/۰۶۱	−۰/۱۷۹	−۰/۰۷۷	۰/۱۲۱	−۰/۰۵۹	۰/۲۷**	۰/۴۳۸**	۰/۴۷۵**	۰/۴۴۴**	۰/۳۴۵**	۰/۵۵۱**	۰/۸۶۳**	۰/۸۷۷**	۰/۸۱**	۰/۶۲**	۰/۷۰۵**	–
	میانگین	۲۰/۷۳	۴۰/۷۱	۴/۳۰	۷/۰۶	۶/۸۲	۵/۱۳	۲۳/۳۱	۶/۴۵	۶/۰۶	۸/۱۹	۸/۰۶	۶/۱۳	۳۴/۸۹	۲۳/۱۶	۱۷/۵۳	۱۴/۰۱	۶/۸۶	۱۱/۰۴	۶۹/۱۶
	انحراف معیار	۲/۳۴	۵/۰۴	۲/۰۳	۱/۸۸	۲/۵۰	۲/۸۵	۵/۲۲	۲/۳۵	۲/۴۳	۱/۹۹	۱/۹۷	۲/۳۶	۷/۸۹	۶/۱۸	۴/۵۶	۳/۲۳	۲/۲۲	۲/۳۱	۱۴/۷۹

**P<۰/۰۱ ،*P<۰/۰۵

The Mediating role of Cognitive Emotion Regulation in the Relationship between Brain Behavioral Systems and Posttraumatic Growth in Betrayed Men

Maryam Farahini[1], Ahmad Mansouri[2]

Original Article

Abstract

Aim and Background: Traumatic events have several negative consequences, but in a number of cases, positive psychological changes occur following these events. However, little is known about how this positive psychological changes. Therefore, the aim of present study was to investigate the mediating role of cognitive emotion regulation in the relationship between brain behavioral systems and posttraumatic growth in betrayed men.

Methods and Materials: In a descriptive-correlational study, 100 betrayed men in the city of Neyshabur were in 2017-2018 years selected by available sampling method. The participants completed Inhibition System/Behavioral Activation System (BIS/BAS) scales, Cognitive Emotion Regulation Questionnaire (CERQ) and Posttraumatic Growth Inventory (PTGI). Data were analyzed by Pearson correlation and regression analysis.

Findings: The result showed that behavioral activation system predicted cognitive emotion regulation, which, in turn, predicted more posttraumatic growth in betrayed men ($p<0.05$). Also, adaptive cognitive emotion regulations mediated the relationship between behavioral activation system and posttraumatic growth in betrayed men.

Conclusions: The results of this study emphasize the importance of behavioral activation system and cognitive emotion regulation in posttraumatic growth.

Keywords: Behavioral activation and inhibition systems, Emotion regulation, Infidelity, Posttraumatic growth

Citation: Farahini M, Mansouri A. **The Mediating role of Cognitive Emotion Regulation in the Relationship between Brain Behavioral Systems and Posttraumatic Growth in Betrayed Men.** J Res Behav Sci 2018; 16(3): 408-418.

Received: 2018.08.07 Accepted: 2018.12.29

1- MSc Student, Department of Psychology, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran.
2- Assistant Professor, Department of Psychology, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran.
Corresponding author: Ahmad Mansouri Email: mansoury_am@yahoo.com

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-26]

[DOR: 20.1001.1.17352029.1397.16.3.16.6]
[DOI: 10.52547/rbs.16.3.408]